هو العلیم

توصیه های حضرت آیه اللَه حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی پیرامون ماه رجب و اعمال لیلة الرغائب

جلسات شرح حدیث عنوان بصری

بسم اللَه الرحمن الرحیم

متن ذیل فرازهایی از بیانات حضرت آیه اللَه حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی می باشد، که پیرامون خصوصیات ماه رجب و اعمال آن و اعمال لیله الرغائب در مجالس شرح حدیث عنوان بصری ایراد گردیده است ، که به جهت اهمیت مطلب آنرا به صورت این مقاله خدمت عزیزان تقدیم می کنیم:

همان طوری که دأب و دِیدَن مرحوم آقا (حضرت علامه طهرانی)ـ رضوان اللَه علیه ـ بود قبل از ماه رجب ایشان یک مطالبی را می‌فرمودند. دوستانشان را جمع می‌کردند و راجع به اهتمام ماه رجب ایشان مطالبی را می‌فرمودند. آن چه را که من بدون توجّه به روایات و احادیثی که در فضیلت ماه رجب آمده است از تجربیات شخصی خودم با مرحوم آقا ـ رضوان اللَه علیه ـ و سایر بزرگان به یاد دارم این است که در تمام ایام سال ایشان به این ماه رجب از همهٔ شهرها و ماهها اهتمام بیشتری داشتند. حتّی از ماه رمضان هم اهتمام این بزرگان به ماه رجب بیشتر بود و عبارت ایشان این بود که ماه

رمضان برای عامّهٔ مردم انفَع است و نَفع بیشتری دارد ولی ماه رجب برای خصوص سالکان الی اللَه این نفعش از ماه رمضان بیشتر است و تأثیراتی که در ماه رجب بر نفس وارد می‌شود آن تأثیرات، تأثیرات عمیق‌تریست، تأثیرات زیر بنایی تریست از آن چه که در سایر ایام اللَه که شعبان و رمضان و یا فرض بکنید که در آن ذی‌القعده به خصوص دههٔ اوّل ذی‌الحجّه که بسیار آن جَلوات و جَذبات خاصّی دارد در آن عُشر اوّل ذالحجّه، این ماه رجب از همهٔ آنها مهمتر است و خود ایشان هم در ماه رجب یک تغییراتی داشتند، ایشان به طور کلّی در زندگیشان، در اعمال شخصی خودشان و توصیهٔ به مراقبت بیشتری می‌کردند به رفقایشان و به دوستان و می‌فرمودند: ماه رجب ماه الهی است، در ماه خدا غیر خدا را نباید انسان داخل کند، مراقبه‌اش را در این ماه باید بیشتر کند، کلامش را در این ماه باید منضَبط‌تر قرار بدهد، هر حرفی را نزند، هر مطلبی را نگوید، حتّی مسائل عادی، حرفهای عادی، اینها در این ماه مضرّند. هر چه در این ماه حالت سکوت و حالت

سکون و آرامش بیشتر باشد واردات بیشتر خواهد ملائکه در جایی که تشویش و اضطراب است نمی‌آیند، ملائکه در جای سکون و آرامش می‌آیند، ملائکه در جایی که دائماً محلّ جَوَلان فکر و تخیلات و خیالات(است نمی آیند)...؛ این آن را گفت، آن آن را گفت، این به من این حرف را زد، چرا آن نسبت به من این فکر را کرد؟ من این جوابش را بدهم، با این اینجور صحبت کنم اینها به درد ماه رجب نمی‌خورد. اگر شخصی با این تصوّرات و تخیلات داخل در ماه رجب بشود نصیبی نخواهد داشت. پس شرط اوّلی را که مرحوم آقا ذکر می‌فرمودند این است که انسان قلب خود را از هر چه که تا به حال با او بوده پاک کند و بدون این فایده ندارد، هیچ فایده‌ای ندارد. هر چه ذکر بگوید فایده ندارد، هر چه توجّه کند فایده ندارد، چرا؟ چون این توجّه و ذکر توجّه صوریست، توجّه عُمقی نیست، عُمق خراب است، عُمق در او تشویش است، عُمق در او هوا و هوس است، عُمق در او تکثّرات است، عُمق در او توغّل در کثرات است، فایده ندارد، فقط از یک صورت ظهور پیدا می‌کند و به همان صورت

هم ختم می‌شود. پس بنابراین اوّلین کاری که سالک باید انجام بدهد این است که تصوّر کند در ماه رجب متولّد شده. بچّه‌ای که تازه از مادر متولّد می‌شود دشمن دارد؟ هنوز کاری نکرده توی این دنیا، دشمن ندارد. آیا بچّه‌ای که از مادر متولّد می‌شود کسی راجع به او حرف زده؟ کسی غیبتش را کرده؟ کسی فرض کنید که...؟ نه، تازه هنوز متولّد شده و نه دوستی پیدا کرده، نه دشمنی پیدا کرده، نه کسی را زده، نه به کسی بی‌احترامی کرده، نه شخصی نسبت به او بی‌احترامی کرده، هیچی هیچ گونه ارتباطی نداشته. انسان باید تصوّر کند که در ماه رجب متولد شده و همچون بچّه که در قلب و در نفس او هیچ چیزی وجود ندارد. بچّه هیچ چیز نمی‌فهمد فقط گرسنه‌اش بشود صدایش در بیاید برای شیر خوردن همین، و الاّ هیچ چیز نمی‌فهمد حتّی مادرش را هم نمی‌فهمد دیگر. البتّه یک احساس خاصّی دارد امّا.... دیگر نه کینه‌ای در بچّه است، نه بُغضی در بچّه هست، نه حَسدی در بچّه، نه حسابی هیچ چیزی نیست، فلهذا مرحوم آقا تعبیر می‌کردند بچّه

تا چند ماه اصلاً فانی است، یعنی هیچ نوع تعلّق به کثرت در او نیست. اگر می‌خواهید نگاه به فنا کنید که در فنا چه خبر است. نگاه به بچّهٔ شیرخوار کنید. کینه دارد؟ ابدا، نسبت به کی کینه دارد؟ حسد دارد؟ ابدا، بُغض دارد نسبت به کسی؟ ابدا، هر وقت گرسنه اش بشود گریه می‌کند، فقط همین. آدم فانی مگر غیر از این چیز دیگر است؟ نه در وجود او حقد است، نه حسد است، نه تعلّق به دنیاست، نه تعلّق به مادّه است، نه تعلّق به کثرات است، نه این را بگیرد، نه آن را بگیرد، نه نفعی الآن.... الآن فرض کنید که به یک بچّه بگویند: آقا! در فلان جا زلزله شد، خراب شد؛ اصلاً نمی‌فهمد می‌گوید: بابا من گرسنم است شیرم را بدهید بخورم بخوابم. این چیه؟ می‌گویند: آقا فلان کس نماینده شد، فلان کس چیز شد. می‌گوید: آقا شیر من را بدهید بخورم، اینها مال خودتان، مبارک خودتان باشد. فقط نیازش در ارتباط با مبدأ محفوظ است و بقیه هیچ. آدم فانی فقط تعلّقش با مبدأ است و دیگر هیچ در نفس او نیست. منتهی فرق بین بچّه و بین فانی این است که بچّه وقتی که برمی‌گردد تازه برمی‌گردد توی کثرات

یکی یکی هِی می‌آید سراغش، یکی یکی تعلّقات، فانی وقتی که بقا پیدا می‌کند دیگر همه را از دست داده. این فرق بین این دو و باید ما برگردیم به همان جا، به همان جایی که آمدیم.

ماه رجب ماه فناء فی اللَه است، ماه خداست، شهر اللَه است. پیغمبر اکرم صلّی اللَه علیه و آله و سلّم فرمودند: **اَلرَّجَبُ شَهْرُ اللَه وَ شَعْبَانُ شَهْری وَ رَمَضَانُ شَهْرُ اُمّتَی**. رجب ماه خداست، شعبان ماه من است که منظور ولایت است و رمضان ماه امّت من است، ماه عموم امّت من است. یعنی یک ارتباط خاصّی بین نفوس و بین پروردگار در ماه رمضان هست که ماه امّت است. ولی رجب شهر اللَه است، رجب، ماه، ماه خداست. اینکه دارد رجب ماه خداست یعنی یک حالت خاصّی در ماه رجب برقرار است که از آن حالت خاصّ، اهل اللَه فقط استفاده می‌کنند، نه هر کس دیگر. استفاده‌های دیگران ضعیف است. اهل اللَه هستند که این ماه را می‌توانند درک کنند. یعنی جاذبه‌های مقام ربوبی و توحیدی و بارقه‌های توحیدی که سالک را زیر و رو می‌کند و

تعلّق سالک را از همه چیز قطع می‌کند و او را فقط متوجّه به حقیقت توحید می‌کند و از همهٔ آن تزئیلات و فروعات و رشته‌ها و تعلّقات و ارتباطات می‌بُرد، آن در ماه رجب است. حتّی ماه رمضان هم این کار را انجام نمی‌دهد. ماه رمضان ماه رحمت است، ماه برکت است، ماه انبساط است، ماه غُفران است، همه را خدا می‌بخشد. آن عمل زیر بنایی مال ماه رجب است. به درد سالک بخشیدن گناه نمی‌خورد، بخشیدن گناه این یک چیزیست که ما اوّل چیزیست که انتظارش را داریم از ائمّه و از شفعاء که بیایند شفاعت بکنند. آنچه که به درد سالک می‌خورد حالت انبساط و اینها نیست، آنچه که به درد سالک می‌خورد حالت بهجت نیست، نه این که اینها بد است، اینها خیلی خوب است گیر کسی هم نمی‌آید، خیال نکنید ولی آنچه که بدرد آن سالک واقعی که رِندی که همه چیز را می‌خواهد در راه خدا ببازد و از همه چیز بگذرد و ژولیده و سر و پا برهنه فقط در حریم او بیاید دیگر در آنجا بخشش گناه و انبساط و بَهجت و اینها نیست آن یک آتشی را می‌خواهد که بزند به وجودش و او را خاکستر کند

این بدرد سالک می‌خورد و این توی ماه رجب است. لذا می‌گویند رجب شهر اللَه است برای این که انسان آماده بشود برای ماه رجب اوّل چیزی را که مرحوم آقا دستور می‌دادند اشتداد مراقبه بود. سالک باید مراقبه‌اش را زیاد کند، سکوتش را زیاد کند، ارتباطش را با افراد به حداقل مراوده و معاشرت برساند، با هر کسی صحبت نکند، نفوسی که گناه کار هستند در ارتباط با انسان اثر می‌گذارند، هر کدام یک اثری می‌گذارند خواهی نخواهی. رفتن هر جا و دیدن هر کس این برای انسان صحیح نیست. به عکس، زیارت مرضی، عیادت مرضی، رسیدگی به امور بیماران این سرعت می‌بخشد به حال انسان؛ صلهٔ رحم سرعت می‌بخشد؛ اگر بین دو نفر نقاری است انسان آن نقار را برطرف کند این اثر بسیار عجیبی دارد، بسیار اثر عجیبی دارد. بارها می‌فرمودند ایشان اگر شخصی اصلاح ذات البین را بکند، ممکن است بعضی از درهائی که به روی او بسته شده به واسطهٔ این باز بشود، خیلی اثر عجیبی دارد، اصلاح ذات‌البین. اصلاح ذات‌البین یعنی انسان

شیطان را از بین دو نفر بیرون کند و خدا را بیاورد جایش دیگر، این معنا معنای اصلاح ذات البین. خیلی ایشان تأکید داشتند روی این مسأله، مسألهٔ مراقبه به اصطلاح در ماه رجب. و روایاتی که در این زمینه هست روایات زیاد است در اینجا یکی دو تا روایت را من عرض می‌کنم خدمت دوستان که از پیغمبر اکرم روایت شده که می‌فرماید: **اَنَّ اللهَ تَعَالی نَصَبَ فی السَّمَاءِ السابِعَةِ مَلِکاً یقالُ لَهُ الدّاعی** «خداوند متعال در آسمان هفتم ـ این آسمان هفتم یک مسألهٔ عجیبی است، نمی‌فرماید در آسمان اوّل یا دوّم یا سوم یا چهارم، می‌فرماید در آسمان هفتم که آن مقام تجلیات ذاتیست ـ این در آنجا یک مَلکی را خداوند در آنجا قرار داده است که به او می‌گویند داعی یعنی کسی که می‌خواند، افراد را می‌خواند، صدا می‌زند» **فَإذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ ینادی ذلِك الْمَلِك کلَّ لَیلَةٍ مِنْهُ إلِی الصَّباحِ** «وقتی که ماه رجب داخل می‌شود این مَلَک هر شب تا صبح صدایش بلند است» **طوبی لِذّاکرین، طوبی لِطّائعین** «خوشا به حال آن کسی که در حال ذکر است، خوشا به حال آن کسانی که در

حال اطاعتند» **يقُولُ اللهَ تَعالى** ـ اینها را آن ملک دارد می‌گوید، ها این اختصاص به ماه رجب دارد ـ **أنَا جَليسُ مَن جَالَسنى** «من همنشین کسی هستم که او بیاید و خود را با من همنشین کند» **وَ مُطيعُ مَنْ أطاعَنى** «من اطاعت کسی را می‌کنم که او اطاعت مرا بکند» ببینید! خدا دارد می‌گوید من اطاعت می‌کنم **وَ غافِرَ مَنِ اسْتَغْفَرنىَ** «و می‌بخشم کسی که از من طلب بخشش کند» **اَلشَّهرُ شَهْرى** «این ماه، ماه من است» **وَ الْعَبْدُ عَبْدى** «این بندگان همه بندگان من هستند» **وَ الرَّحْمَةُ رَحْمَتى** «رحمت هم اختصاص به من دارد» **فَمَنْ دَعَانى فى هذا الشَّهْرُ أجَبْتُهُ** «کسی که بخواند مرا در این شهر او را اجابت می‌کنم» **وَ مَنْ سَئَلَنى اَعْطَيتُهُ**«کسی که از من بخواهد به او می‌دهم» **وَ مَن اسْتَهْدانى هَدَيتُهُ** به این عبارت خیلی توجّه کنید «کسی که در این ماه از من طلب هدایت کند من او را هدایتش می‌کنم» یعنی تمام جملاتی که در اینجا هست یک طرف این یک فقره در اینجا یک طرف. ما در این ماه باید از خدا بخواهیم که خدا ما را

هدایت کند، هدایت کردن یعنی موانع را از جلوی راه برداشتن، راه خود را مستقیم کردن و از خطرات حفظ کردن. **وَجَعَلْتُ هذَا الشَّهرُحَبْلاً بَینْی وَ بَینَ عِبَادی** «من این ماه را ریسمان بین خودم و بین بندگانم قرار دادم» **فَمَنِ اعْتَصَمَ بی وَصَلَ إلی** «هر کسی که به این ریسمان چنگ بزند به من می‌رسد» این یک روایتی که در اینجا هست. روایت دیگری دوباره از پیغمبر اکرم در اینجا نقل می‌فرمایند که: تمام ملائکه در شب اوّل رجب تمام ملائکه آسمان و زمین، همه در خانهٔ کعبه جمع می‌شوند در آن شب و در آنجا مشغول طواف می‌شوند. لذا مکه و عمرهٔ رجبیه ثواب حج را دارد و بسیار مؤکد است همانطوری که مرحوم آقا در روح مجردشان فرمودند زیارت علی بن موسی الرضا علیهماالسّلام ثواب حج را دارد در ماه رجب و حتّی طبق آن روایاتی که نسبت به زیارت امام رضا علیه‌السّلام آمده خیلی روایات عجیب است. ما حتّی راجع به سیدالشهداء هم عجیب است که یک همچنین روایاتی نداریم یعنی با این خصوصیاتی که مثلاً سیدالشّهداء دارد روایات اکیده‌ای که همهٔ ائمّه هم توصیه داشتند بر زیارت امام

حسین علیه‌السّلام ولی عجیب این است که روایت زیارت علی بن موسی الرضا یک چیز دیگر است، بخصوص در ماه رجب و توفیق الهی نصیب هر کسی شده است که بتواند امام رضا علیه‌السّلام را در این ماه زیارت کند و از آن حضرت خلاصه بخواهد، ول نکند، بیاید یک زیارتی بکند و بگوید: خداحافظ شما و...، نه، برود بچسبد و بگوید باید بدهی و تا ندهی ما نمی‌رویم از اینجا، امام رضا هم به خاطر این که خودش را راحت کند می‌گوید: خیلی خوب می‌دهیم، راهت می‌اندازیم.

قضیه‌ای من یادم آمد. یک شخصی رفته بود ـ واقعاً انسان باید از این گونه مسائل عبرت بگیرد ـ رفته بود خدمت علی بن موسی الرّضا آن هم در آخر عمرش. این قضیه را من از آن شخص در وقتی به یاد دارم که با عصا به زور در خیابان راه می‌رفت این شخص، این با عصا راه می‌رفت و به زور قدش خمیده و خلاصه پاش لب... یعنی واقعاً از آن افرادی بود که مصداق پاش لب گور بود، مِصداق اینها بود و این رفته بود خدمت علی بن موسی الرضا

در یک همچنین وضعی و از حضرت کیمیا می‌خواست. اگر برای خودت می‌خواهی که خودت داری می‌میری، اگر برای دیگران می‌خواهی و دیگران هم خدایی دارند و رفته بود کیمیا می‌خواست. و بعد با یک عبارت غلاظ و شِداد که ای علی بن موسی الرّضا! تو را به جان مادرت فاطمهٔ زهرا قسم می‌دهم که باید به من کیمیا بدهی، طلا بدهی، چه بدهی، کیمیا یعنی طلا دیگر، همین طلا، طلا بدهی. بعد حضرت به خواب یک شخصی آمده بود و گفته بود: بابا برو ما را از دست این نجات بده، بهش بگو تو چهار ماه دیگر میمیری، چی از ما کیمیای می‌خواهی؟ آن شخص هم رفته بود و اتفاقاً توی خیابان باهاش برخورد کرده بود و گفته بود تو از امام رضا کیمیا می‌خواهی؟ این خیلی خوشحال شده بود گفت: حتماً می‌خواهد به من بدهد، چون کسی اطّلاع نداشت دیگر. گفت: بابا حضرت دیشب به خواب من آمد گفت: بیا من را از دست این نجات بده، این ما را به مادرمان قسم می‌دهد، فلان می‌کند، چی می‌کند، چهار ماه دیگر تو می‌میری. چهار ماه دیگر هم مُرد. حضرت خواستند

متنبّه‌اش کنند.

حالا شما ببینید این امام رضا علیه‌السلامی که نشسته دم یک دریایی که این دریا انتها ندارد اقیانوس کبیر چیه؟ اقیانوس کبیر قطره‌ایست از آن دریا، واقعاً قطره است، حیف قطره. واقعاً اصلاً نمی‌شود اسم گذاشت. آن وقت این امام رضا با این دریا نشسته می‌گوید: هر چه بخواهید من می‌دهم آن وقت ما بلند بشویم برویم چه داعی‌هایی داشته باشیم، چه خواستهایی داشته باشیم، چه طلبهایی داشته باشیم. خجالت ندارد؟ فلهذا خودشان گفته‌اند: خودشان گفته‌اند که ما می‌دهیم حالا که گفتند باید پایش هم بایستند، ما هم می‌رویم و خلاصه به امام رضا علیه‌السّلام عرض می‌کنیم که شما به آن استکبار و أنانیت ما نگاه نکن، شما به آن بزرگواری و کرامت و عنایت بی‌کران و لطف بیکران و رحمت بیکرانی که خداوند برای شما قرار داده شما با او ما برخورد کن. امیرالمؤمنین علیه‌السّلام می‌فرماید: **اللَهمَّ وَ آخِذْنَا بِعَفْوِك وَ لا تُؤاخِذْنَا بِعَدْلِك**. «خدایا با عفوت با ما برخورد کن و با عدلت برخورد نکن.»

این ملائکه می‌آیند در کعبه و به دور کعبه طواف می‌کنند و خداوند به اینها خطاب می‌کند که: ای ملائکهٔ من! از من بخواهید که هر چه می‌خواهید به شما عطا می‌کنم. ملائکه، اینها آدم‌های با مروّتی هستند. می‌گویند:- سالک باید رفیق باشد، با معرفت باشد، تنها تنها نخورد، خلاصه به یاد رفقایش هم باشد. این ملائکه اینها همه از سُلاّک حسابی هستند، برای خودشان دعا نمی‌کنند می‌گویند: - خدایا! خواست ما از تو اینست که به افرادی که در این ماه روزه می‌گیرند و عبادت تو را می‌کنند حاجات آنها را بدهی. این خواست ملائکه است در شب اوّل ماه رجب. خداوند می‌فرماید که: من حاجت شما را برآورده کردم. این دیگر شمّه‌ای از آنچه که در این ماه بود ما عرض کردیم. روایت از پیغمبر اکرم است و عرض کنم که البتّه آنها هم بی‌حساب نمی‌گویند، که چون می‌دانند که به حساب خودشان هم نوشته می‌شود. دنیا آقا! دنیای معامله است، دنیای معاملات است، آنها به خدا می‌گویند: خدایا! آنها را درست کن، آنها درست کنند ما را درست می‌کنند. خلاصه علی ای حال امّا بالآخره. فلهذا مرحوم حاج میرزا

جواد آقای ملکی تبریزی أعَلَی اللَه مَقامَهَ در این کتاب شریف المراقبات ایشان می‌فرمایند که: رعایت ادب و شکر نسبت به ملائکه این است که انسان در ماههای رجب بر ملائکه درود بفرستد حالا که آنها دارند برای ما پیش سلطان استدعاء می‌کنند و حاجات را پیش سلطان انسان هم یک تشکری از آنها باید داشته باشد. این ماه ماه رجب است.

ماه رجب ماهی است که هر چه رفقا بیشتر مراقبه کنند در این ماه، باز کم کردند. ببینید من این تعبیر را می‌کنم: هر چه بیشتر مراقبه کنید، باز کم کردید. صحبت کردن در این ماه حتی به مسائل صحیح هم مناسب نیست. صحبت کردن از کیسهٔ انسان کم می‌کند. وقتی که شما یک حالی دارید، یک وِزانی در خودتان احساس می‌کنید، همین قدر بیائید صحبت کنید، حرف بزنید، این حرف زدن من نمی‌دانم چه تأثیری دارد ـ البتّه إنشاالَله بعد در همین فقرات عنوان بصری راجع به کثرت کلام مطلب می‌آید و در آنجا عرض می‌کنم ـ حالا به نحو اجمال که یکی از مسائل بسیار مهمّی که بزرگان به افراد تذکر می‌دادند

قلّت کلام بود. قلّت کلام موجب می‌شود حالاتی که برای انسان پیدا بشود در نفس باقی بماند. نیاید بیرون. کلام به لغو و لعب و این حرفها که هیچ، اصلاً در او بحثی نیست که آن به طور کلّی نه تنها مزمحل و زایل می‌کند، بلکه اصلاً آنچه که انسان یافته از آن هم می‌گیرد. نخیر، اصلاً بحث در کلام صحیح است، بحث در کلام حقّ است. حتّی کلام صحیح را هم انسان نگوید، کم بگوید. سکوت خیلی عجیب است. سکوت یک وِزانی را در انسان به وجود می‌آورد که با حرف، یک همچنین وزان و یک همچنین متانتی و یک همچنین پُری که لازمهٔ این قضیه این است که افاضات الهی بر قلب انسان بیاید، با صحبت یک همچین چیزی نمی‌آید. افرادی که زیاد صحبت می‌کنند، قلب آنها مشوّش است، اضطراب دارد. دیدید بعضی‌ها مختلف بعضی‌ها فرض کنید که ما مثلاً دیدیم، مرحوم علاّمهٔ طباطبایی یا مثلاً بزرگانی را دیدیم یا مثلاً مرحوم آقای حدّاد، در مجلس که می‌نشستند، تا از ایشان سؤال نمی‌کردیم جواب نمی‌دادند؛ یا علاّمهٔ طباطبائی، یک ساعت می‌نشستیم، همینطور به انسان نگاه می‌کرد.

ولی بعضی‌ها می‌گویند: آقا! یعنی چه؟ انسان بنشینند هِی همینطوری نگاه بکند، ساکت، یک حرفی بزنیم، یک چیزی، آقا! هوا گرم است، خیابان شلوغ است، جنسها گران شده، یک حرفی بالأخره بزنیم، یعنی چه آخر این؟

اینها اضطراب دارند، در نفسشان اضطراب دارند، این اضطراب نمی‌گذارد که آرام باشند. ارتباط انسان با اینگونه افراد برای انسان مضرّ است. انسان با افرادی باید ارتباط داشته باشد که این حالت در آنها کمتر است، حالت سکون وآرامش در آنها بیشتر است و در این زمینه روایات زیاد است که ملائکه در سکون‌اند، شیاطین در اضطرابند، اینها مطالب بعد خواهد آمد.

در ماه رجب مراقبه را باید ما بیشتر کنیم و بدانیم که اگر این کار را انجام ندهیم، این ماه می‌گذرد و آن نتایجی که بر ما مترتّب می‌شود، مترتّب نخواهد شد. حالا یک کسی نمی‌خواهد از فضائل ماه رجب استفاده کند، ما داعی نداریم که خود را وابسته به او کنیم. یک کسی می‌خواهد بر همان طریقهٔ افراد مثل

افراد معمولی و عادی حرکت بکنند، شاید او مایل نباشد از مواهب این ماه استفاده کند، ما نمی‌توانیم خود را... . نه، انسان باید بداند که موقعیت هر کسی اختصاص به او دارد و این دیگر موقعیت پیدا نمی‌شود و دیگران جوابگوی از تفریطهای ما نخواهند بود.

فلهذا **اَلمؤمن کیّس** «آدم مؤمن، رِند است» و آدم رِند و زرنگ آن کسی است که از بهترین فرصتها، بهترین نتیجه‌ها را می‌گیرد؛ این را می‌گویند آدم رند و زرنگ. اگر قرار است انسان زرنگ باشد، زرنگ در امر آخرتش باشد. به قول معروف یک روز بهلول رفت هارون به او گفت، گفتش که: یک خورده برای من از زهد صحبت کن، یک قدری دلم سخت شده. گفتش که: تو باید برای من حرف بزنی. گفت: چرا؟ گفت: تو که از من زاهدتری. گفت: چطور مگر؟ گفت: من نسبت به دنیا زهد می‌کنم، تو نسبت به آخرت زهد می‌کنی، تو مقامَت بالاتر است. آخرت کجا، دنیا کجا؛ تو خیلی زاهدی؛ تو آخرت را ول کردی، من دنیا را ول کردم، پس تو زاهدتری. حالا آدم رند و زرنگ به آن آدمی می‌گویند که خودش را

ـ آقا! ـ معطّل دیگران نکند. این می‌شود آدم زرنگ. معطّل دیگران: این چطور است، من هم اینجور باشم؛ پا به پای او بخواهم بیایم. نه، آقا جان! دیگران حساب و کتابی برای خودشان دارند، ما برای خودمان حساب و کتابی داریم. هر کسی برای خودش حساب و کتاب خاصّ... . معطّل بقیه بخواهیم بشویم قافیه را باختیم؛ قافیه را از دست دادیم. پس به دنبال این بگردیم چه کاری انجام بدهیم که بهتر بتوانیم بیشتر استفاده بکنیم. لذا مراقبه در ماه رجب بسیار تأکید شده و روزه در ماه رجب به اندازه‌ای تاکید شده که شاید مضمون بعضی از روایات به نظر انسان اغراق آمیز بیاید، در روزه ماه رجب؛ خیلی عجیب، امام صادق علیه‌السّلام می‌فرماید ـ روایتش در همین مفاتیح هم هست ـ به سالم می‌فرماید که: از ماه رجب را چه قدر روزه گرفتی؟ ـ اواخر ماه رجب بود ـ گفت: هنوز روزه نگرفتم. حضرت فرمودند: آن قدر ثواب از تو فوت شده است که غیر از خدا کسی نمی‌داند. یعنی چه؟ ثواب چه؟ ثواب یعنی در ارتباط تو با پروردگار آن

قدر مواهب الهی از تو فوت شده و برکات از تو فوت شده که ثوابش را نمی‌داند کسی غیر از او، در قرب نسبت به خودش. لذا حتّی الإمکان در صورتی که برای انسان ضعفی عارض نشود، دأب و دِیدن بزرگان بر این بود که از ماه رجب را حتّی الإمکان روزه بگیرند و اگر کسی نتوانست روزه بگیرد و عذری داشته باشد، هر روز صد مرتبه این ذکری را هم که در مفاتیح است و امام علیه‌السّلام می‌فرماید، این ذکر را بگوید: **سُبحانَ الإلهِ الجَلیلِ، سُبحانَ مَن لا ینبَغی التَسبیحُ إلاّ لَه، سُبحانَ اْلأعزِّ اْلأکرَم، سُبحانَ مَن لَبِسَ الْعِزَّ و هُوَ لَهُ أهلٌ** این را صد مرتبه بگوید، ثواب روزه را به او می‌دهند.

یکی از مسائلی که خیلی مؤکد است در این ماه، و همینطور در ماه شعبان و ماه رمضان، این ذکر مدامی است که انسان آن ذکر مدام را دارد. ذکر مدام آن ذکری است که عدد ندارد و انسان بدون عدد می‌تواند آن ذکر را بگوید. این ذکر ،ذکر مدام بهش می‌گویند؛ جزء اذکار عددیه نیست و اشکالی هم ندارد برای شخصی که بگوید. مثل ذکرلا إلهَ إلاّ اللَه.همینطور به نحو مدام

انسان آن ذکر را بگوید. دارد راه می‌رودلا إلهَ إلاّ اللَه‌بگوید. نشسته است، آرام بدون اینکه حتّی کسی هم بفهمد یا مثلاً دهان او حرکتی داشته باشد، ذکرلا إلهَ إلاّ اللَه‌بگوید.این خیلی مناسب است. یکی از آن اذکار، ذکر یونسیه است که﴿أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾است که توصیه شده که بدون عدد. اگر کسی می‌تواند صد مرتبه مثلاً بگوید بین الطّلوعین. اگر یکی می‌تواند، دویست مرتبه بگوید. این ذکر یونسیه بسیار مهم است منتهی بدون عدد؛ پنجاه مرتبه، هفتاد مرتبه، صد مرتبه، صد و پنجاه مرتبه، هر کسی به آن مقداری که خسته نشود و خیلی از بزرگان تأکید کردند و خود حقیر از مرحوم آقای حدّاد ـ رضوان اللَه علیه ـ شنیدم که ایشان می‌فرمودند که: گنجهایی در این ذکر یونسیه نهفته است و اگر شخصی مداومت داشته باشد، خداوند او را به یك نعمات خیلی بزرگی او را می‌رساند. این هم یکی از آن مواردی است که برای خصوص ماه رجب و شعبان و رمضان توصیه شده.

و از مطالبی که هست و تأکید شده درآن، قرائت

ادعیهٔ ماه رجب است، بخصوص این دعای معروف که از ناحیهٔ امام زمان علیه‌السّلام، آمده، **اللَهمَّ إنّی أسئَلُك بِمَعانی جَمیعِ ما یدعوك بِهِ وُلاةُ أمرِك** این بسیار دعای عجیبی است، بسیار دعای عجیبی است و یک شب مرحوم آقا ـ من یادم است، در مسجد قائم، شب سه شنبه ـ این فقرة اوّل این دعا را معنا می‌کردند، فقرة اوّلش را و خیلی مسائل عجیبی می‌فرمودند. همان قضیه رسید به **لی‌مع اللَه حالاةُ لا یسعها ملك مقرب و لا نبی مرسل**، این دعا اشاره به این است و عجیب اینجاست که ادعیهٔ ماه رجب، همه ادعیهٔ توحیدی هست و جنبهٔ توحیدی در این ادعیه لحاظ شده است و بهتر است که انسان این ادعیه را در روز بخواند؛ فرض کنید که یکی از این دعاها را بعد از نماز صبح بخواند، یکی از این دعاهای ماه رجب را ـ چند تا دعا هم بیشتر نیست ـ در بین نماز ظهر و عصر بخواند، یکی از آنها را قبل از غروب آفتاب بخواند و یکی از آنها را در بین نماز مغرب و عشاء و یکی‌اش را فرض کنید که من باب مثال قبل از خواب، مثلاً، بخواند و اینها ادعیهٔ بسیار عجیبی است

که اینها اثرات بسیار عالی دارد در نفس انسان و راجع به سکوت هم که عرض شد.

یکی از دعاهایی که در ماه رجب خواندنش در هر روز وارد است، این دعای امام صادق علیه‌السّلام است که در مفاتیح هم دارد که حضرت این دعا را در هر روز می‌خواندند: **خابَ الوافِدونَ عَلی غَیرِك و خَسِرَ المُتَّعَرِّضونَ إلاّ لَك.** «خاب» یعنی خائب شد. خائب یعنی کسی که دیگر امیدی به رسیدن به مطلوب ندارد، کسی که از کاروان عقب بماند، می‌گویند خائب است. خائب وخاسر، دو عبارتی است مضمونش نزدیک به هم است. خائب به کسی می‌گویند که مطلبی را از دست می‌دهد، مطلب را از دست می‌دهد. خاسر به کسی می‌گویند که خسران زده است، یعنی نه تنها مطلب را از دست می‌دهد، دیگر هم به دست نمی‌آورد و نمی‌تواند به او برسد. **خاب الوافدون علی غیرك** «تمام آن کسانی که وفود کردند، وارد شدند بر غیر تو، اینها دستشان خالی است» اینها هیچ مایهٔ پُرکننده ندارند. چون غیر از تو پوچ است، غیر از تو عدم است، غیر از تو

حُباب است. افرادی که به دنبال غیر از تو رفتند و بار خودشان را در آستانی غیر از آستان تو فرود آورند، به دنبال مقام رفتند، به دنبال مال رفتند، به دنبال کسب شهرت رفتند، به دنبال استفاده رفتند ـ استفادهٔ دنیوی ـ تمام این افراد، اینها خائبند. افرادی که به دنبال حتّی غیر از جنبهٔ مادّی، حتّی به دنبال بزرگی رفتن، حتّی به دنبال امام رفتن، ولی این به دنبال امام رفتنش، امام را در تعین و در حد دیدن و بدون توجّه به توحید به او نگاه کردن، باز این **خاب الوافدون** است. آن کسانی که ولایت را جدای از توحید می‌دانند و ولایت را یک مرتبه‌ای مادون توحید می‌دانند و به امام نه به عنوان وسیله بلکه به عنوان موضوعیت نگاه می‌کنند، باز اینها حسابشان با آن کسانی که به خود ذات پروردگار توّجه دارند و امام را وسیلهٔ برای وصول به او می‌دانند، تفاوت می‌کنند.

وخسر المتعرضون الاّ لك «خسران زده‌اند، خسران زده شده‌اند و خاسرند آن کسانی که متعرّض غیر تو شده‌اند.» غیر تو را به حساب آورده‌اند، افراد دیگر را به حساب آوردند، حسابهایی در

ارتباطاتشان در نظر گرفتند، حساب و کتاب در ارتباطاتشان مدّ نظر قرار دادند. خدا شاهد است که یک خطور که از انسان سر بزند، یک خطور، یک خطور که این خطور، خطور غیر الهی باشد، خطور، خطور مادّی باشد، خطور، خطور دنیوی باشد، به پای انسان می‌نویسند؛ یک خطور: با این رفیق بشویم، به دردمان می خورد. بد نیست حالا فرض بکنید که سلام، علیکی با این داشته باشیم. اینها همه‌اش چیست؟ اینها همه‌اش **خسرالمتعرضون الا لك**. تمام کسانی که متعرّض غیر تو شدند، اینها خسران پیدا می‌کنند. یک روزی همین می‌آید و پشت می‌کند. همین می‌آید و بی‌توجّه...، آن وقت انسان خسران زده یعنی چه؟ یعنی اینکه: عجب! من که دو سال با این بودم، این همینطور سر یک مطلب واهی گذاشت رفت؟ این ناراحتی که برای انسان پیدا می‌شود، این ناراحتی مال چیه؟ مال این نیست که این گذاشته رفته، مال این نیست که...؛ دوسال این سرگردان این بوده، دو سال بیکار این بوده و دو سال علاّف این بوده و دو سال در ذهن خودش چیزهای

دیگری را ترسیم می‌کرده، این مال این است اینقدر ناراحت می‌شود. یعنی چه؟ یعنی «خاسر». حالا اگر دو سال انسان باشد ولی تعلّق نداشته باشد، حالا وقتی که برود، ناراحت می‌شود؟ نه،می‌رود که می‌رود، برود، می‌رود که برود. ناراحتی دارد؟ دوباره برگردد، می‌خواهد برگردد، می‌خواهد برنگردد. چرا ناراحتی ندارد؟ به خاطر اینکه دل در اینجا گرو نگذاشته، متعرّض او نشده، ارتباط داشته، ولی متعرّض دیگری بوده، دل در گرو دیگری گذاشته و او هم که هیچ وقت از بین نمی‌رود. حالا اگر او از بین رفت خب انسان دیگر باید خلاصه، ندای وا مصیبتایش برود بالا. ولی نه، او از بین نمی‌رود. ولی غیر از او همه می‌روند. ما به چه کسانی دل بسته بودیم؟ ما به چه کسانی تعلّق داشتیم در زمان مرحوم آقا؟ به چه کسانی؟ به چه افرادی دل بسته بودیم؟ به چه افرادی تعلّق داشتیم؟ به چه افرادی پشت گرم بودیم؟ به چه افرادی توجّه داشتیم؟ کجایند؟ کجایند؟ رفتند همه. اینهم نتیجهٔ و خسرو المتعرضون الا لک. پدر به ما گفت: متعرّض نباش! حرفش را گوش ندادیم. گفت به ما و گوش ندادیم.

البتّه خیال می‌کردیم مطلب جور دیگر است و حالا ایشان مثلاً نظر جدّی ندارد. حالا می‌فهمیم: نه بابا! جدّی داشت می‌گفت، داشت جدّی می‌گفت و اینها همه برای انسان عبرت است.

و ضاعَ المُلِمُّونَ إلاّ بك ـ دیگر چون دیگر وقت گذشته تند این ترجمه می‌کنیم و بعد عرائضی... ـ **و ضاعَ المُلِمُّونَ إلاّ بك** «ضایع شدند، از بین رفتند آن کسانی که اِلمام کردند، فرو افتادند، خود را انداختند مگر به تو» **وَأجْدَبَ الْمُنتَجِعونَ إلاّ مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَك** «به تنگدستی و فقر رسیدند آن کسانی که طلب کردند غیر از تو را.» **بابُك مَفتوحٌ للرّاغِبینَ** «باب تو و درِ رحمت تو همیشه برای کسانی که رغبت دارند به آن مسائل و به آن تجلیات، همیشه باز است.» **وَخَیرُك مَبذولٌ للطّالِبینَ** «و خیر تو همیشه برای طالبین مبذول است.» **وَ فَضْلُك مُباحٌ لِلسّائِلینَ** «برای سائلین، فضل و احسانت مباح است.» **وَ نَیلُك مُتاحٌ لِلآمِلینَ** «نیل و فیض رحمت تو

و عطا و بخشش تو، متاح است، در دسترس است، برای کسانی که آرزومندند، در دسترس است.» **وَ رزقُك مَبْسوطٌ لِمَن عَصاك**«رزق تو پخش است برای کسی که تو را حتّی عصیان کند.» **وَ حِلمُك مُعْتَرِضٌ لِمَن ناواك** «به کسی که قصد دشمنی با تو را دارد، حلم تو، معترض است و شامل حال او هم خواهد شد.» **عادتُك الإحسانُ إلَى الْمُسيئينَ** «عادت و صنیعهٔ تو و روش تو، احسان به گناهکاران.» **وَسَبيلُك الإبْقاءُ عَلَى المُعتَدين** «راه تو، ابقاء و حفظ است بر کسانی که تعدّی می‌کنند.» **اللَهمَّ فَاهْدِنی هُدَى الْمُهتَدين** اینجا دیگر مطلب یک قدری بالا می‌رود و سطح دعای حضرت اوج می‌گیرد. خدایا! حالا که این طوره، حالا که تو دارای این خصوصیات هستی و حالا که تو یک همچنین اوصافی داری، پس تو مرا به هدایت مهتدین راهنمایی کن، از تو چیزی کم نمی‌شود. تو که عطای تو شامل همه است، تو که راه تو برای همیشه باز است، تو که حلم تو معترض است برای کسی که دشمنی می‌کند، پس حالا بیا دست مرا بگیر! **وَ ارْزُقنی اجْتِهادَ المُجتَهدين** «اجتهاد

و جَهدِ آن افرادی که واقعاً جَهد می‌کنند، آنها را نصیب من بگردان.» **وَ لا تَجْعَلْنی مِنَ الغافِلینَ المُبعَدین** «و مرا از غافلینِ مبعدینِ از رحمت خودت قرار نده.» **واغْفِرلی یومَ الدّین** «و مرا برای روز جزا مورد آمرزش قرار بده.»

مطلب دیگری را که مرحوم آقا ذکر می‌فرمودند راجع به اعمال شب اوّل جمعهٔ ماه رجب است اوّلین شب جمعهٔ ماه رجب که به او لیلةالرَّغائب می‌گویند. رغائب جمع رغیبه به معنای آن پاداشهای بسیار ارجمند و سَمین و گران سنگ. شبی است که بسیار مهّم است و همهٔ اساتید تأکید داشتند بر این که شاگردانشان این اعمال امشب را همان شب لیلةالرغائب را آنها بجا بیاورند بین نماز مغرب و عشاء است و در مفاتیح هم هست و پیغمبر اکرم فرمودند که: کسی که ماه رجب بر او وارد بشود در حالی که او پنج شنبه را روزه گرفته باشد و این اعمال را در شب جمعه بخواند کذا و کذا مسائلی که هست.. کلّ عملش هم نیم ساعت بیشتر نمی‌کشد،

کلّ عمل لیلةالرَّغائب، کلّش بیشتر از نیم ساعت طول نمی‌کشد. نمازیست که بعد از حمد یازده مرتبه قل هو اللَه و سه مرتبه انّا انزلنا چند مرتبه قل هو اللَه و بعد هم سر به سجده هفتاد مرتبه **سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ المَلاَئِکةِ وَ الرُّوحِ** بعد دوباره می‌نشیند، دوباره بعد به سجده می‌رود، استغفار می‌کند و بعد در آن به اصطلاح هر حاجتی که از خدا هست می‌خواهد، در مفاتیح نوشته شده. عَلی کلِّ حال ماه بسیار مهمّی است و همین طور ماه شعبان و رمضان و این سه ماه خلاصه از نِعَم الهیست بر بندگانش که این سه ماه را پشت سر هم از ماههای متبرّکه قرار داده و دستورالعملی که مرحوم آقا ـ رضوان اللَه علیه ـ به شاگردانشان می‌دادند همان دستور العملی است که مرحوم قاضی به شاگردانشان دادند و این دستورالعمل وجود دارد رفقا تهیه کنند و آن چه را که در آن نوشته شده است می‌توانند در این سه ماه عمل کنند، هر چه در آن دستور العمل مرحوم قاضی نوشته شده و ان‌شاءاللَه که امیدواریم خداوند ما را موفّق کند بر این که بتوانیم هر چه بیشتر از فیوضات و برکات این ماههای شریف متمتّع باشیم.

اللَهمَّ صَلّ عَلَى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمّد